



## Color allusions and their concepts in ironic literature (case Study: allusions included in some Persian dictionaries)

reza rafiei rad <sup>a\*</sup>

<sup>a</sup> PhD student, Department of Art, Faculty of Art, Tabriz Islamic University of Arts, Tabriz, Iran, ([r.rafieirad@tabriziau.ac.ir](mailto:r.rafieirad@tabriziau.ac.ir))

### KEYWORDS

Iranian literature,  
ironic literature,  
irony,  
Color.

### ABSTRACT

Color, as a visual element in the field of visual arts, has also been used in literature for a long time. Research shows that Persian writers have shown two different approaches in using colors in their poems. Some of them have shown more precision in the use of color in their poems, but others have a kind of color blindness in recognizing and using colors in their poems and use limited colors. In such a way that when presenting the image and in imaginary images, even these few colors are not used enough and usually the color in his poetry is weak and weak words and only comes to fill the weight. The purpose of this article is to investigate the ironic concept of colors in Persian ironic literature. The question that is raised is, what are the concepts of colors in Ironic literature? This research was carried out with a descriptive-analytical method, using library and internet resources, by collecting allusions found in three encyclopedias "Dehkhoda", "Amid" and "Persian allusion culture". The findings show that colors in Persian allusions have been investigated in four semantic meanings of color, i.e. description of natural phenomena (plant, animal, nature), description of human physical condition, description of miracle color and description of ideal phenomena in heaven. In Persian allusions, colors are sometimes used to express obviousness and appearance, as well as to describe a place or object, as well as to express an action. The white color, in an allusive sense, refers to the morning light, blindness and the miracle of Moses, the yellow color to describe natural phenomena such as the moon, the earth, the sun, the world, and the sky in allusions, to express the dawn and the sun, to describe the natural phenomenon of the greening of plants and Life and description of the ideal phenomena in heaven, i.e. the clothes of heavenly beings and the blue color to describe the spiritual condition of man, which attributes this color to the eyes and indicates misery, gloom and sadness. Also, the color black is used to describe the spiritual state of man both in this world and in the resurrection, such as black court, black work, black writing, and Russia.

## کنایات رنگ و مفاهیم آن‌ها در ادبیات کنایی

(نمونه‌های موردی: کنایات مندرج در برخی فرهنگ‌های لغت فارسی)

رضا رفیعی راد الف\*

الف دانشجوی دکتری، گروه هنر، دانشکده هنر، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران، (r.rafeirad@tabriziau.ac.ir)

چکیده	واژگان کلیدی
<p>رنگ به عنوان یک عنصر بصری در حوزه هنرهای تجسمی، از دیرباز در ادبیات نیز کاربردهای فراوان داشته است. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که ادیبان فارسی، در استفاده از رنگ‌ها در اشعارشان، دو رویکرد متفاوت از خود نشان داده‌اند. برخی از آنان در کاربرد رنگ در اشعارشان، دقت بیشتری نشان داده ولی برخی دیگر، نوعی کور رنگی در تشخیص و استفاده از رنگ‌ها در شعرشان داشته و رنگ‌های محدودی را به کار می‌برند. به نحوی که هنگام ارائه‌ی تصویر و در صور خیال، از همین رنگ‌های اندک نیز بهره‌ی کافی برده نشده و معمولاً رنگ در شعر ایشان، کلماتی ناتوان و ضعیف است و فقط برای پر کردن وزن می‌آید. هدف مقاله حاضر، بررسی مفهوم کنایی رنگ‌ها در ادبیات کنایی فارسی است. پرسشی که مطرح می‌شود این است که مفاهیم رنگ‌ها در ادبیات کنایی، چیست؟ این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی، از طریق جمع‌آوری کنایات موجود در سه دایره‌المعارف «دهخدا»، «عمید» و «فرهنگ کنایات فارسی» انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که رنگ‌ها در کنایات فارسی، در چهار دلالت معنایی رنگ یعنی تو صیف پدیده طبیعی (گیاه، حیوان، طبیعت)، تو صیف و وضعیت جسمانی انسان، تو صیف رنگ معجزه و تو صیف پدیده‌های ایده‌آل در بهشت مورد بررسی قرار گرفته است. رنگ‌ها در کنایات فارسی، گاهی برای بیان آشکار و ظاهر بودن و نیز تو صیف یک مکان یا شیء و نیز بیان یک عمل نیز به کار می‌روند. رنگ سفید، در معنایی کنایی خود، بر نور صبحگاهی، نابینایی و معجزه موسی، رنگ زرد در برای توصیف پدیده‌های طبیعی مانند ماه، زمین، خورشید، دنیا و فلک در کنایات، برای بیان شفق و خورشید برای تو صیف پدیده طبیعی سبز شدن گیاهان و حیات و زندگی و توصیف پدیده‌های ایده‌آل در بهشت یعنی لباس بهشتیان و رنگ کبود برای تو صیف و وضعیت معنوی انسان که این رنگ را به چشم نسبت داده و بر بدحالی و سیه روزی و غم و اندوه دلالت دارد. همچنین رنگ سیاه در تو صیف و وضعیت معنوی انسان هم در دنیا و هم در قیامت استفاده شده مانند دیوان سیاه کردن، سیاه کار، سیاه نامه و روسیاه به کار رفته‌اند.</p>	<p>ادبیات ایران، ادبیات کنایی، کنایه، رنگ.</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۴/۱۱</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۳</p>

## مقدمه

زبان‌ها هرگز به‌خاطر خود زبان‌ها به‌وجود نیامده، بلکه همواره در خدمت شئون مختلف زندگی انسان و در جهت ارتقای وضعیت زندگی او بوده‌اند. زبان، پایه‌های اصلی ارتباطات انسانی را شکل می‌دهد و با حیات و بقای آنها در ارتباط می‌باشد. (Trudgill, 1979, p. 13) زبان همچنین حامل اطلاعات بسیار مهمی نظیر: ساختار اجتماعی، ساختمان ارزش‌های جامعه، ساختار سیاسی، روابط خانوادگی، اقتصادی و دیدگاه‌ها به جهان نیز هست. (Cover, 1975, p. 235-339) زبان به عنوان پر کاربردترین ابزار ارتباطی بین افراد جامعه (Al-Qazwini, 1424, p. 3) برای رنگ‌ها، کلمات مشخصی را اختصاص داده است. اما باید توجه داشت که تفکیک نام رنگ‌ها، در لبه باریکی از مفاهیم قرار دارد، این مفاهیم، بین جایی که زبان از بین می‌رود و جایی که زبان در قدرتمندترین حالت خود ظاهر می‌شود قرار دارند. (Tent, 2018, p. 25) خصوصاً زمانی که رنگ‌ها، با ظاهر کنایی خود ظاهر می‌شوند. کنایات، تابعی از زندگی روزمره ما هستند و عمیقاً درون سیستم فکری و فرهنگی ما گنجانده شده‌اند. آنها به‌سان کانال‌های ارتباطی عمل می‌کنند که «امکان درک یک مفهوم را از طریق مفهومی دیگر» را فراهم می‌آورند. همچنین کنایات می‌توانند مفاهیم را برون‌ریزی نمایند و عامه مردم، برای تفسیر جهانی که در آن زندگی می‌کنند، از آنها استفاده می‌نمایند. (Matusitz & Olufowote, 2016, p. 18-19)

صور خیال، بی‌کرانه‌ترین حوزه خلاقیت در ادبیات است و هر شاعری با تخیل خاص خود، تشبیه‌ها، استعاره‌ها، مجازها و کنایاتی را می‌آفریند و از رهگذر آنها، همان معانی قدیمی و آزموده همه کس را از نو، با زبانی تازه و فرمی مخصوص به تصویر می‌کشد. (نقابی، ۱۳۹۴: ۱۵۴) قابلیت‌های منحصر به فرد کنایه، سبب شده تا در زبان و ادبیات کارکردهای گسترده‌ای داشته باشد. شفیع کدکنی، شاعران را در ارتباط با استفاده از رنگ، به دو دسته‌ی بزرگ تقسیم می‌کند. او معتقد است گروهی از شاعران، به مسأله‌ی رنگ، حساسیت بیشتری نشان داده و عنصر رنگ را با دقت بیشتری مورد نظر قرار داده‌اند. اما گروه دیگر، نوعی کور رنگی دارند. یعنی جز چند رنگ سیاه و سفید و سبز، رنگ دیگری را نمی‌بینند و از همین چند رنگ هم که احساس می‌کنند به هنگام ارائه‌ی تصویر و در صور خیال، استفاده لازم را نمی‌برند. و یا اگر نام رنگ را می‌برند، مثل این است که رنگ‌ها، در زبان ایشان، معنی اصلی و روشنی ندارد و کلمات مربوط به رنگ در شعر ایشان، کلماتی ناتوان و ضعیف است و فقط برای پر کردن وزن می‌آید. (شفیع کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۶۷) از دلایل کاربرد کنایه می‌توان به «آگاه کردن از زیادی قدرت»، «آزمودن زیرکی مخاطب»، ترک لفظ به آنچه که زیباتر است»، «نیکو ادا کردن لفظ»، «قصد بلاغت»، «قصد مبالغه در تشنیع یا تحسین»، «آگاهی دادن از عاقبت امری»، «اختصار»، «بیان جمله‌ای که معنایش خلاف ظاهرش باشد»، «ارائه مفاهیم مجرد در قالب محسوس»، «به دلیل ترس»، «توقیر و تعظیم» و «اثبات برهان و مدعا» (طاهری، ۱۳۹۴: 103-107) اشاره کرد. هدف مقاله حاضر، بررسی مفهوم کنایی رنگ‌ها در ادبیات کنایی فارسی است.

## ۱- ادبیات نظری پژوهش

## ۱-۱- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های قابل توجهی در زمینه اهمیت شگردهای بلاغی کنایه در ادبیات، انجام گرفته است. یکی از این تحقیقات مربوط به تحقیقاتی است که در دانشگاه یوتا<sup>۱</sup> به انجام رسیده است که در آن، یک دستگاه تحلیلی متون پیشنهاد می‌شود که به عنوان نمونه تاریخ بیهقی را با رویکرد ادبی کارکرد کنایه، از منظر حقیقت و دروغ مورد تحلیل قرار می‌دهد. و سه روایت از این تاریخ را از منظر کارکرد مهم کنایه در تصویرسازی تاریخی، در این کتاب تحلیل می‌کند. (Amirsoleimani, 1999, p. 244)

همچنین مقاله با عنوان «زبان ادبی و بلاغی رنگ در ارتباطات غیر کلامی، در شاهنامه فردوسی» در نشریه زیبایی شناسی ادبی، در سال ۱۳۸۸ نوشته غلامرضا حیدری، نشان می‌دهد که رنگ‌ها در شاهنامه، زبان دوم و گویای فردوسی است. فردوسی، از رنگ‌ها و زبان رنگ‌ها در القاء اندیشه‌های خود، در عالم ارتباطات غیر کلامی، نهایت بهره را می‌برد. او با رنگ و عبارات، ترکیبات و کنایات ادبی برساخته از رنگ، حالات روحی افراد را به تصویر می‌کشد و فضای زیبا و رنگارنگ جنگ و نبرد را بیان می‌کند. (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۸۹) وجه کنایه رنگ‌ها در قرآن و ادبیات کنایه نیز در پژوهش با عنوان «تطبیق منظر معنایی رنگ‌ها در قرآن کریم و ادبیات کنایه فارسی» نوشته رفیعی راد و دیگران، بررسی شده و نشان می‌دهد که قرآن کریم و کنایات فارسی، در توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان، پدیده‌های طبیعی، توصیف رنگ پدیده‌های ایده آل بهشتی و رنگ مربوط به معجزه خاص، در کارکرد و دلالت‌های معنایی رنگ، اشتراکاتی دارند. تفاوت این است که رنگ‌ها در قرآن، برای توصیف فراواقع‌گرایانه پدیده‌های طبیعی در قیامت نیز به‌کاررفته و کنایات نیز علاوه بر کارکردهای مشترک، از رنگ‌ها، برای بیان آشکارگی و ظاهر بودن و همچنین برای توصیف یک مکان و یا شیء نیز بهره گرفته‌اند. نیز می‌توان تأثیرات قرآن کریم بر ادبیات کنایه فارسی را در دلالت‌های معنایی رنگ‌ها، در رنگ سفید (معجزه موسی) و رنگ سبز (لباس بهشتیان) و رنگ کبود برای چشم (سیه‌روزی و اندوه) مشاهده نمود. همچنین منظر معنایی رنگ‌ها در قرآن بیش از دلالت‌های کنایه و اکسپرسیو، بر واقع‌گرایی استوار است. (رفیعی راد و دیگران، ۱۳۹۹: ۸۹) همچنین یافته‌های پژوهش با عنوان «کاربست واقع‌گرایانه و غیر کنایه رنگ‌های سیاه و سفید در قرآن کریم و اشعار حافظ» در فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۹۹، نشان می‌دهد که هم قرآن و هم اشعار حافظ، دو رنگ سیاه و سفید را هم از جنبه‌های کنایه و هم به صورت غیر کنایه با بیانی طبیعت‌پرداز و واقع‌گرا مورد استفاده قرار داده‌اند. در بعضی موارد، کارکرد غیر کنایه آن‌ها مانند توصیف رنگ دست در معجزه موسی هم‌چنین رنگ پدیده‌های طبیعی کاملاً بر هم منطبق است. از دیگر کارکردهای غیر کنایه این دو رنگ در قرآن، می‌توان به رنگ راه‌هایی که در کوه‌ها وجود دارند، رنگ نور صبحگاهی، عیب و بیماری و خشک شدن گیاه و در اشعار حافظ هم به توصیف چهره پیامبر اکرم و نیز رنگ مار افعی اشاره نمود. (رفیعی راد، ۱۳۹۹: ۱۱۹) برخی مقالات به وجوه نمادین رنگ در شعر شرعی ایرانی پرداخته‌اند مانند مقاله با عنوان «بررسی نماد رنگ در آثار سعدی» در نشریه بهارستان سخن (ادبیات فارسی) نوشته پاشایی و همکاران در سال ۱۳۹۴ پرداخته‌اند که در آن، شاعر احساسات و عواطف خود مانند: خشم، ترس، عشق و... را بیان می‌کند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که سیاه، سرخ و سفید پرکاربردترین رنگ‌ها در اشعار سعدی هستند. سیاه پر بسامدترین رنگ در آثار وی، حکایت از روزگار سیاه خفقان و دردآور عصر سعدی و تقابل سفیدی و سیاهی، هم به آفرینش زیبایی می‌پردازد و هم بدین وسیله سفیدی را - که عدم وجود رنگ است - برجسته تر و پر رنگ تر نشان می‌دهد. (پاشایی و همکاران، ۱۳۹۴: ۶۱) برخی نیز به کارکردهای روانشناسانه رنگ در ادبیات پرداخته‌اند مانند مقاله با عنوان: «کارکرد روان شناختی عنصر رنگ در مراثی خاقانی برای فرزندش» نوشته پاشایی فخری و همکاران، در سال ۱۳۹۵ که یافته‌های آن نشان می‌دهند که رنگ‌ها کارکرد روان شناختی ویژه‌ای در تصاویر مراثی خاقانی دارند. حضور پربسامد سه رنگ سرخ، سیاه و زرد در این اشعار شکل تصادفی ندارد و براساس روان شناسی جدید این انتخاب از ضمیر ناخودآگاه خاقانی سرچشمه گرفته است. (پاشایی فخری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۳) در زمینه تعاریف مربوط به چیستی و دلالت‌های کنایات، به کتاب «بیان» نوشته شمیسا و کتاب «معانی و بیان» جلیل تجلیل، همچنین «الکنایه و التعریض» نوشته ابومنصور تعالی و دیگر منابع مراجعه شد. برای جمع‌آوری کنایات نیز از فرهنگ‌های «دهخدا»، «عمید» و «کنایات سخن» استفاده شد.

<sup>1</sup> Soheila Amirsoleimani is Assistant Professor of History at the University of Utah.

## ۱-۲- پرسش‌های پژوهش

پرسشی که مطرح می‌شود این است که مفاهیم رنگ‌ها در ادبیات کنایی، چیست؟

## ۱-۳- اهمیت و ضرورت پژوهش:

بسیاری از پژوهشگران، رنگ را به عنوان یک عنصر بصری، در حوزه هنرهای تجسمی می‌دانند. همچنین مبانی هنرهای تجسمی، دانشی وارداتی است که منابع اصلی آن را پژوهش‌های یوهانس ایتن و نیز کاندینسکی، لوشر و دیگر پژوهشگران غربی ارائه داده‌اند. اما در ایران، نگارگری نیز وابستگی عمیقی به ادبیات و عرفان داشته و استخراج مبانی تجسمی رنگ از میراث ادبی و کهن این سرزمین یک نیاز دائمی است. این پژوهش، گامی در جهت رفع این ضرورت است.

## ۱-۴- روش پژوهش:

این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. پاسخ به سؤال این پژوهش می‌تواند روشن کند که کارکردهای مفهومی عنصر بصری رنگ در ادبیات کنایی چگونه است. در این پژوهش، ۳۷۵۰ کنایه فارسی از سه دایره‌المعارف فارسی، «دهخدا»، «معین» و «فرهنگ کنایات سخن» نوشته دکتر انوری جمع‌آوری شد. که از میان آنها، ۱۳۷۱ کنایه، از رنگها استفاده کرده بودند.

## ۱-۵- کنایه و انواع آن

رنگها، عناصر مهمی در تصویرسازی اشکال مختلف زبان و ادبیات هستند زیرا با همه شئون زندگی مانند علوم، روانشناسی، دین، فرهنگ و هنر و اسطوره در ارتباطی تنگناگ هستند. (Sharif, 1974, p. 1) کاربرد رنگها، تنها برای تفاوت قائل شدن میان اشیاء نیست بلکه هر رنگ، حامل معنای فکری و فرهنگی بوده و تاثیرات فراوانی در انسان بر جا می‌گذارد. (Alshaher, 2002, p. 2-3) کاربرد رنگها در زبان و ادبیات، صرفاً جهت تزئین کلام نیست بلکه با مفهوم و بلاغت ارتباط دارد. (Asfoor, 2003, p. 281) شفیع کدکنی معتقد است، بسیاری از امور معنوی که به حس زیبایی در نمی‌آیند از طریق توسعه رنگها توسط استعاره‌های خاص و مجازها با صفتی از صفات رنگها، نشان داده شده‌اند. (شفیع کدکنی، ۱۳۶۶: ۲۷۴) در میان اعراب، منفورترین رنگ برای چشم، رنگ آبی بود و به عنوان نفرین، به دشمنان «ازرق العین (آبی باد چشمانش)» می‌گفتند. و زرقا یعنی نابینایی زیرا حدقه چشم نابینایان، آبی رنگ می‌شود. (Aboo Saood, 1411, p. 41) رنگ سبز نیز در تفکر اسلامی رمز خیر و ایمان بوده و به همین دلیل در پرچم‌های عربی و گنبدها و پرده کعبه مورد استفاده قرار گرفته است. (Alshaher, 2002, p. 2) همچنین می‌توان مشاهده کرده که، بیش از هفتاد درصد رنگ‌های به کار رفته در پرچم‌های کشورهای اسلامی، رنگ سفید (۷۶ درصد) و رنگ قرمز (۷۲ درصد) می‌باشد. (بختیاری، ۱۳۹۳: ۱۶۷) در ادامه تعاریف مختلف کنایه و انواع آن ذکر خواهد شد. ایماژ، برای اولین بار توسط شفیع کدکنی، تحت عنوان صور خیال، وارد مطالعات نقد ادبی ایران گردید. او خیال را با این واژه معادل گرفته است. در دایره‌المعارف نیز ایماژ<sup>۲</sup> به معنای عکس، شبیه، شکل و شمایل آمده است. صورخیال در واقع بر مجموعه‌ای از تصاویر شعر دلالت دارد که از قدیم به عنوان چهار مؤلفه مهم کنایه، تشبیه، استعاره و مجاز شناخته می‌شدند. شفیع کدکنی معتقد است به مجموعه تصرفات بیانی و مجازی (از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز مرسل، تمثیل، نماد، اغراق و مبالغه، اسناد مجازی، تشخیص، حسامیزی، پارادوکس و...) اطلاق می‌شود. (شفیع کدکنی، ۱۳۶۶: ۹-۱۲) طبق تعاریف، کنایه، بیان مطلبی و دریافت مطلبی دیگر است، یعنی ترکیب کلمه یا جملاتی است که به جای معنای ظاهری، مراد یکی از لوازم معنای آن است. مثلاً مقصود از کنایه «در خانه‌ی فلانی باز است»، بر بخشندگی آن فرد دلالت می‌کند. چراکه لازمه بخشندگی بودن فرد، باز بودن درب منزل او به روی مردم است. (شمیسا، ۱۳۹۳: ۶۵-۶۶) همچنین کنایه «پوشیده سخن گفتن است، به طوری که لفظی ایراد شود و معنی غیرحقیقی آن مراد گردد، به طوری که بتوان معنای حقیقی را نیز از آن مستفاد کرد». (تجلیل، ۱۳۹۰: ۸۰) ابو منصور ثعالبی، کنایه را مشتق از «کنیت‌الشیء اکنیته» به معنای پوشاندن چیزی گرفته شده و گاه، «کنانه» نیز عنوان گردیده است. «آنگاه که چیزی را پوشیده داری، بگویی کنیت‌الشیء و کنایه از آن جهت کنایه نامیده شده که معنایی را می‌پوشاند و

<sup>2</sup> Image

معنای دیگری را آشکار می سازد. «(الثعالبی، 1424: 241) کنایه دارای دو رکن است. یکی «مکنی به» و دیگری «مکنی عنه». کنایه به اعتبار مکنی عنه دارای انواعی است. یک نوع آن، کنایه از موصوف (اسم) است. در این نوع کنایه، وصف آن اسم را به جای اسم می آوریم. (کزازی، 1368، ج1: 165) مثلا سعدی در دیوان اشعار در غزل 226 می گوید: «به سرو گفت کسی میوه‌ای نمی آری / جواب داد که آزادگان تهی دستند.» که در اینجا «آزادگان تهی دست» به جای «سرو» به کار رفته است.

نوع دوم آن کنایه از صفت است. وقتی معنای ظاهری، صفتی است که ما باید از آن متوجه صفت دیگر، یعنی معنای باطنی شویم. مثلا در شعر خاقانی «دهر سیه کاسه‌ای است ما همه مهمان او / بی‌نمکی تعبیه است در نمک خوان او» سیه کاسه، کنایه از پلیدی و بخیلی روزگار و بی‌نمکی، بدون جاذبه بودن زندگی را می‌رساند. (همان)

همچنین نوع دیگر کنایه، کنایه از فعل است. که در این نوع کنایه، فعلی را به چیزی یا کسی نسبت دهیم، اما معنای دیگری را از آن دریافت کنیم. (همان: 167) مانند شعر سعدی: «آینه‌ای طلب کن تا روی خود ببینی / وز حسن خود بماند انگشت در دهانت» که در آن کنایه «انگشت به دهان ماندن»، به معنای فعلی «حیرت کردن» آمده است.

چهارمین نوع کنایه، کنایه از نسبت، کنایه‌ای است که در آن، نسبت امری به امر دیگر، نفیا یا اثباتا اراده شود. مانند آیه 60 سوره مائده: «ولئک شر مکانا» که اثبات شر برای مکان آنان، کنایه از اثبات شر برای خود ایشان است. (الزمخشری، 1417، ج1: 653)

انواع دیگری نیز از تقسیم‌بندی کنایه نیز وجود دارد. مثلا گاهی واسطه میان معنی عبارت اول و دوم متعدد بوده و فهم کنایه دشوار است که به آن تلویح می‌گویند (احمد نژاد، 1382: 68) مانند «بازویت را قوی می‌گردانم» و گاهی نیز عبارتی است در نكوهش، ریشخند و یا اندرز، که تعریض نام دارد. مثلا عبارت «ذات الواح و دُسر» از نظر لغوی به معنای «دارای تخته‌ها و میخ‌ها» است که خدای تعالی آن را کنایه از کشتی آورده است. (الدرویش: 1994: 379)

## ۱-۶- رنگها و مفاهیم آنها در کنایات فارسی

رنگها در کنایات فارسی به نحو قابل ملاحظه‌ای در معناسازی مشارکت می‌کنند. این رنگها عبارتند از: سفید: (سپید، بیضا، قاقم نمای، گازی، شیری، مرمی، عاجی رنگ، کافور رنگ، رومی) هفتاد و یک بار، سیاه: (سیه، مشکین، اسود، زاغ رنگ، قیری، آبنوسی، کحلی رنگ، زنگی، هندو، ادهم، افیون) نود و یکبار، سیاه و سفید: (ابلق، روم و زنگ، روم و هندو) هفت بار، قرمز: (احمر، سرخ، گلگون رنگ، عنابی، ارغوانی، مریخی، گل شراب، زمردی) چهل و یکبار، سبز: (اخضر، چمنی، سدابی، ازرق و زرقا، شنگرفی) صد و هفت بار، آبی: (مینایی، مینو فام، سرمه‌ای، نیلی، لاجوردی) صد و دو بار، کبود ازرق، بنفش: (بنفشه گون) دوبار، زرد: (زرنیخ رنگ، کهربایی) بیست و شش بار، طلائی، چهل و دو بار، نقره‌ای، چهل و چهار بار، فیروزه‌ای، نوزده بار. اما در این پژوهش فقط به بررسی مفاهیم رنگهای مشترک به کار رفته در قرآن کریم یعنی سفید (ابیض)، سبز (اخضر)، زرد (فالق، صفرا)، سیاه، (اسود)، سبز پرنرنگ (مُدَهامَتان)، قرمز (احمر، وردة) و آبی (ازرق) و کنایات فارسی بدون احتساب مترادف‌هایشان، خواهیم پرداخت.

### ۱-۷-۱- سفید (سپید):

رنگ سفید در مجموعه کنایات جمع‌آوری شده به اشکال زیر به کار رفته است (جدول ۱).

جدول 1: کارکرد معنایی رنگ سفید در کنایات فارسی Table 1: The Semantic Function of White in Persian irony	
استخوان سفید (روز)، سپیدپهنا (صبح کاذب)، سپیدبالا / خیط ابیض (صبح صادق)، زمین سفید (زمین خالی)، کف سفید (برف)، نان سفید فلک (ماه)، باز سپید پر (خورشید)، روز سپید (روز خوش)، زال سپیدرو، زال سرسپید سپه‌دل (دنیا)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
White bone (day), white arena (false morning) White Height /Khit- Al - Abyaz (True morning), White Earth (Empty Earth), White seabed (Snow), White Bread (Moon), White Feathered Eagle (Sun), White Day (Good Day), White Zaal's Face, Zaal with White Head and Black Heart (World)	

<p>ریش به دوغ سفید کردن / ریش (یا مو) در آسیا یا از آسیا سفید کردن / نادان بودن، سفیدرو / سپید روی (سربلند و سعادت‌مند)، کف سفید (صاحب‌همت)، سپیدکار (نیکوکار)، زبان سپید کردن (عجز و فروتنی)، مطبخ سفید داشتن (بخیل بودن)، سپید شدن خون (بی‌مهری و سنگدلی)، سپید کرده مو (با تجربگی)، چشم سفیدی کردن (گوش ندادن به نصیحت‌ها) مژگان سفید کردن / سپید شدن سر / سپید شدن موی (بیان پیری و فروتوت شدن)، چشم سفید / دیده سفید / دیده سفید کردن (نابینایی)، سر دندان سفید کردن، سپیدی دندان، لب سپید کردن (خندیدن)، سپیده دمان: (سفید شدن مو)</p> <p>Whitening the beard/ Beard (or hair) in mill Whitening/ (being ignorant), White face/ white face (high and blessed), white hand (hardworking), white working (philanthropist), white language (humility), white kitchen (jealous), white blood (cruelty), white hair (with experience), Whitening the eyes (not listening to advice) Eyelash whitening/ whitening of the head/ whitening of the hair (expression of aging), White eyes (Blind), Teeth whitening, Teeth whitening, Lip whitening (Laughter), Dawn (Hair whitening)</p>	<p>توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان Description of the spiritual and physical condition of man</p>
<p>سفید/سپید شدن / سپید آمدن (ظاهر و نمودار گشتن) White / whitening / whitening (appearance)</p>	<p>بیان آشکار و ظاهر بودن Being visible and visible</p>
<p>سپید دست / صاحب کف بیضا / ید بیضا / کنایه از موسی علیه‌السلام. The White Hand/ The Owner of the Hand of Bayza/ The Hand of Bayza/ (A irony of Moses.)</p>	<p>توصیف رنگ معجزه Miracle color descriptions</p>

از دیگر کنایاتی که رنگ سفید در آن‌ها کارکرد داشته می‌توان به سپید کردن جامه (قماش) به معنای شستن جامه اشاره کرد.

### ۲-۷-۱- رنگ زرد:

رنگ زرد نوزده مرتبه، زرد مایل به قهوه‌ای (کهربایی) پنج مرتبه در کنایات جمع‌آوری شده وجود دارد.

رنگ زرد نیز به صورت زرد، زرد مایل به قهوه‌ای (کهربایی) در کنایات جمع‌آوری شده وجود دارد (جدول ۲).

<p>جدول ۲: کارکرد معنایی رنگ زرد در کنایات Table 2: The Semantic Function of Yellow in ironys</p>	
<p>چوگان کهربائی (هلال ماه)، مهره کهرباگون (زمین)، افعی زرفام (آسمان)، دبیای زرد / ریحان زرد (اشعه خورشید) روباه زرد / زردمی / زرده کامران / شاهد رخ زرد / قطره زرد / گل زرد فلک (خورشید)، قلعه کهرباگون (دنیا) Amber poles (crescent moon), amber beads (earth), golden aster snake (world) Yellow Silk/ Yellow Basil (Sun Rays) Yellow Fox/ Yellow Kamran/ Witness Yellow Face/ Yellow Drop/ Yellow Flower of the World (Sun), Amber Castle (World)</p>	<p>توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon</p>
<p>رنگ‌زردی کشیدن (خجل)، روی زرد / زرد رخ (پرشان)، زرداب ریزی (بدخویی)، شلوار زرد کردن (ترس شدید)، زردگوش (منافق)، کهربارنگ (دزد) Yellow tolerance (embarrassment), yellow/ yellow face (distressed), stomach acid shedding (malignancy), pants yellowing (extreme fear), yellow ears (hypocrite), amber color (thief)</p>	<p>توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان Description of the spiritual and physical condition of man</p>
<p>خوناب زرد (اشک)، افعی کاه ربا پیکر (شعله آتش)، زرد پاره (پارچه علامت یهودیان) Yellow blood (tears), Amber Viper (Flame), Yellow Torn (Jewish Mark Textile)</p>	<p>توصیف یک مکان یا شیء Description of a place or object</p>

### ۳-۷-۱- رنگ قرمز

رنگ قرمز، بیست و سه بار در این کنایات تکرار شد که در جدول شماره نه کارکردهای معنایی آن قابل مشاهده است:

<p>جدول ۳: کارکرد معنایی رنگ قرمز در کنایات Table 3: The semantic function of red in irony</p>	
<p>سرخ زنبوران (سر انگشتان)، گل سرخ (چهره)، سرخاب (خون)، اشک خونین (گریه با غم و اندوه) چشم سرخ کردن (عاشق شدن)، دندان سرخ کردن (طمع کردن)، سرخ چشم (جلاد)، سرخ شدن (خجالت کشیدن)، دندان خونین شدن (صبر کردن)، موت احمر (مرگ سخت)</p>	<p>توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان Description of the spiritual and physical condition of man</p>

Red bees (fingers), red flowers (faces), reds (blood), bloody tears (crying with grief) Eyes red (fall in love), Teeth red (Greed), Red eyes (Executor), Face red (Embarrassed), Teeth bleeding (Wait), Red Death (Hard death)	
کبریت احمر / گوگرد سرخ (اکسیر)، گوگرد سرخ زردشتی (آتش)، گلگون کمیت (شراب سرخ)، اسود و احمر (حیش و روم) Red matches / Red Sulfur (Elixir), Zoroastrian Red Sulfur (Fire), Rosy Horse (Red Wine), Aswad & Red (Ethiopia) And Roman)	توصیف یک مکان یا شیء Description of a place or object
زر رومی سرخ سپهر / زر سرخ سپهر / طفل خونین (خورشید) قرمزی روز (شوق) Day Red (Aurora) Roman Gold Sky Red / Sky Gold / Bloody Child (Sun)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon

#### ۴-۷-۱- رنگ سبز:

اخضر نود و شش بار استفاده شده است. در جدول شماره ده، کارکردهای مختلف رنگ سبز در کنایات را می‌توان مشاهده نمود.

جدول 4: کارکرد معنایی رنگ سبز در کنایات Table 4: The semantic function of green in irony	
سبز حریر (سبزی بستان)، سبزان چمن (درختان)، سبز شدن دانه: (رشد دانه)، سرسبزی (حیات و زندگی)، چادر سبز (شب)، جرعه‌های سبز تشت (ستارگان)، حقه سبز / خرگاه سبز گاوپشت / دریای سبز / سبز تشت / سبز ایوان / سبز جوی / سبز پل / سبز خنگ شמוש / سبز خوان / سبزه / سبز زاغ سبز طاوس / سبز طاق / سبز طشت / سبز غطا / سبز فرش / سبز کارگاه / سبز کوشک / سبز گلشن / سبز گنبد / سبز تبرک / سبز منظره / سبز میدان / سبز میل / سبز طشت معلق / سبز منظر / بادبان اخضر / بام اخضر / بحر اخضر / چرخ اخضر / خرگاه اخضر / قبه اخضر / چرخ اخضر / چرخ اخضر / خضراخرام / دریای اخضر / سایبان اخضر / طارم اخضر / کله اخضر / لب اخضر / مظه اخضر / هفت والای خضرا (آسمان)، سبز دوتای (شب)، مشعبدان حقه سبز (ماه و خورشید)، کوه اخضر (کوه قاف)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
Green grass (garden vegetable), grass green (trees), seed germination (seed growth), greenery, (life and life Green Tent (Night), Green Droplets (Stars), Green Bag / Green Stables on Top of the Cow, Green Basin / Green porch/ Rainwater Green / Bridge Green/ Shmus Green / Table Green / Village Green/ Green Raven / Peacock Green / Green Vault / Green Pan / Carpet Green / workhouse Green/ Green Residence / Green Garden / Green Dome / Landscape Green / Green Square / Green Mill / Green Suspended Pans / Green Sail / Green Roof / Green Sea / Green Wheel / Green Tent / Green Dome / Green Wheel/ Green Seven (Sky), Green Double (Night), Green Bag (Moon and Sun), Green Mountain (Gaff Mountain)	
باغ سبز نمودن (فریب دادن)، سبز بخت (سعادت‌مند)، خضراء دمن (زن زیبا در جای بد) سر کسی سبز بودن (شاد بودن)، سبزی پای (مدبر) سبزی باغ (بدن آدمی)، سبز تلخ / سبز شیرین / سبزک / سبز گندم گون (معموق سبزه) سبز شدن پوست (کبودی اندام)، سبز شدن خط / طوق سبز (ریش بر آوردن)، سبز شدن مغز (کبودی مغز)، چشمه اخضر (لب و دهان معموق)	توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان Description of the spiritual and physical condition of man
Showing the green garden (deceiving), green fortunate (happy), desert green (beautiful woman in a bad place) being green (being happy), green feet (resourceful) Green garden (human body), bitter green / sweet green / green / wheat green (beloved green) Skin green (limb bruise), mustache / collar green (bearded), brain green (bruise), green fever (lover's mouth and mouth)	
شقه سبز (روپوش خانه کعبه)، طاوس پران اخضر (فرشتگان)، سبزپوش / سبزپوشان فلک (بهشتیان، خضر، ملائکه)	توصیف پدیده‌های ایده‌آل بهشتی Description of ideal heavenly phenomena
Green cloth (Kaaba house cover), Green peacock (angels), Green sky wearers (Heavenly-green-angels)	

#### ۱-۷-۵- رنگ کبود

در کنایات فارسی رنگ کبود، بر آبی و آبی تیره دلالت می‌کند (جدول ۵).

جدول 5: کارکرد معنایی رنگ کبود در کنایات Table 5: The Semantic Function of Bruise Color in Verbs
---

چادر کبود / چرخ کبود / چرخ کبودجامه / خیمه کبود / دولاب کبود / حصار کبود / دیبای کبود / سپهر کبود / کبود ایوان / کبود پشت / کبود خراس / کبود تشت / کبود حصار / رواق کبود / گنبد کبود / کبود غدیر / کله کبود (آسمان) Livid tent / livid wheel / livid tent / livid lounge / livid fence / livid carpet / livid lounge / livid porch / livid pan / livid fence / livid porch / livid dome / livid Ghadir / livid Burgundy (sky)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
کوروی و کبودی (سیه روزی، بد حالی و غم و اندوه) Blindness and Bruising (Darkness, Misery, and Grief)	توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان Description of the spiritual and physical condition of man

## ۱-۷-۶-رنگ سیاه (سیه، مشکین، اسود)

در جدول ۶ کارکردهای معنایی رنگ سیاه نشان داده شده است.

جدول ۶: کارکرد معنایی رنگ سیاه در کنایات Table 6: The Semantic Function of Black in Conjecture	
دیوان سیاه کردن (گناه کردن)، رو سیاه / سیاه درون / سیاه کار / سیاه نامه (بدکار، گناهکار)، سیاهه (زن بدکاره)، سیاه دست / سیه کاسه (بخیل)، سیاه روز / سیه گلیم (بدبخت)، سیاه گلیم (مدیر اما بی منصب) سیاه بادام / سیاه چشم / مژگان سیاه (زیبایی چشم معشوق)، چوگان مشکین (زلف)، سیه سر (ادمیزاد) Black case (black off), black face / black inside / black work / black letter (malicious, guilty) / Black (whore), Black Hand / Black Bowl (jealous), Black Day / Black Glim (miserable), Black carpet (resourceful but unofficial) Black almonds / Black eyes / Black eyelashes (Beauty of the beloved eye), Black polos (Gold), Black heads (Human)	توصیف وضعیت معنوی و جسمانی انسان Description of the spiritual and physical condition of man
شعر سیاه (شب)، غراب سیه، سمور سیه (شب)، زال مو سیه، مشکین مهره (دنیا)، سواد سپهر (آسمان) Black Poetry (Night), Black Raven, Black Otter (Night), Black Haired Zaal, Black Bead (World), Black Sky (Sky)	توصیف پدیده طبیعی Description of the natural phenomenon
مرز مشکین سواد (هندوستان)، سیه خانه (زندان)، سیاه خانه وحشت (قبر)، نهنگ سیاه (شمشیر آبدار)، سیه خانه آبنوسی (نی با چوب آبنوس) Black border (India), black house (prison), black house of horror (grave), black whale (juicy sword), ebony black house (ebony straw)	توصیف یک مکان یا شیء Description of a place or object
زور بر خاک سیه آوردن (کشاورزی)، گلیم از سیاهی بیرون آوردن (نجات یافتن)، قلم در سیاهی نهادن (خط بطلان بر حرف کسی کشیدن)، زر به سنگ سیاه کشیدن (عیار سنجی)، راه سیاه کردن (بی نام و نشان کردن کسی) تسوید (نوشتن) اوقات سیاه کردن (ضایع کردن وقت)، چشم سیاه کردن (طمع کردن)، سیاهی کردن (غضب کردن)، روی سیاه گردیدن (خجالت کشیدن) Force black soil (agriculture), remove carpet from black (rescue), Put the pen in the black (invalidate anyone's words), rub the gold on black (measure), Black out (anonymize) black (write) black out (waste of time), black out eyes (greed), black out (anger), black face (embarrassment)	توصیف یک عمل Description of an action

## نتیجه گیری

رنگ به عنوان یکی از عناصر بصری، نه تنها از جنبه‌های فیزیکی برای انسانها مورد توجه بوده، بلکه برای بیان احساسات، توصیفات، تخیلات، رمزها و نمادها و دیگر شئون انسانی نیز کارکرد داشته است. در زبان فارسی نیز، ادبیات کنایی از طریق کاربرد رنگ‌ها در کنایات، مفاهیم متفاوت و گاه منحصر به فردی را خلق نموده است. این پژوهش با جمع‌آوری، دسته‌بندی و تحلیل رنگها در این منبع مهم فرهنگی، نتایج زیر را حاصل نمود چنان‌که رنگ‌ها در کنایات فارسی، در چهار دلالت معنایی رنگ یعنی توصیف پدیده طبیعی (گیاه، حیوان، طبیعت)، توصیف وضعیت جسمانی انسان، توصیف رنگ معجزه و توصیف پدیده‌های ایده‌آل در بهشت مورد بررسی قرار گرفت. رنگ‌ها در کنایات فارسی، گاهی برای بیان آشکار و ظاهر بودن و نیز توصیف یک مکان یا شیء و نیز بیان یک عمل نیز به کار می‌روند. رنگ سفید، در معنایی کنایی خود، بر نور صبحگاهی، نابینایی و معجزه موسی، رنگ زرد در کنایات برای توصیف پدیده‌های طبیعی مانند ماه، زمین، خورشید، دنیا و فلک در کنایات، برای بیان شفق و خورشید برای توصیف پدیده طبیعی سبز شدن گیاهان و حیات و زندگی و توصیف پدیده‌های ایده‌آل در بهشت یعنی لباس بهشتیان و رنگ کبود برای توصیف وضعیت معنوی انسان که این رنگ را به چشم نسبت داده و بر بدحالی و سیه روزی و غم و اندوه دلالت دارد. همچنین رنگ سیاه در توصیف وضعیت معنوی انسان هم در دنیا و هم در قیامت استفاده شده مانند دیوان سیاه کردن، سیاه کار، سیاه نامه و روسیاه. همچنین در قرآن کریم و کنایات در کارکرد رنگ سیاه برای بیان رنگ شب (سیاهی شب) استفاده نموده است.

## منابع

- [۱] احمد نژاد، کامل (۱۳۸۲) معانی و بیان، تهران: زوار.
- [۲] الدرویش، محی الدین، ۱۹۹۴، اعراب القرآن الکریم و بیانه، الطبعة الرابعة، دار الارشاد للشوون الجامعیه، سوریا.
- [۳] القزوینی، الخطیب جلال الدین محمد بن عبدالرحمن، (۱۴۲۴) الايضاح فی علوم البلاغه، بتحشیه ابراهیم شمس الدین، الطبعة الاولى، دار الکتب العلمیه بیروت.
- [۴] انوری، حسن، (۱۳۸۳) فرهنگ کنایات سخن، دو جلدی، تهران: انتشارات سخن.
- [۵] الثعالبی، ابومنصور (۱۹۹۸) الکنایه و التعریض، دراسه و شرح و تحقیق عائشه حسین فرید، انتشارات: دار قباء
- [۶] الزمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۱۷) الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، الطبعة الثالثة، دار لکتاب العربی.
- [۷] بختیاری، فریبا و زنگی، بهنام (۱۳۹۳) بررسی ساختار بصری پرچم کشورهای جهان؛ با مطالعه رنگ، نشانه و نوشتار ۱۹۶ پرچم رسمی، هنر و معماری، پژوهش هنر (ISC)، شماره ۵ (۱۶۵ تا ۱۷۰)
- [۸] پاشایی فخری، کامران و حیدرجو، طیبه و عادل زاده، پروانه (1394) بررسی نماد رنگ در آثار سعدی، بهارستان سخن، دوره 12، شماره 29؛ از صفحه 61 تا صفحه 82.
- [۹] پاشایی فخری، کامران و پاشایی، محمد و دهقانی، مسعود (۱۳۹۵) کارکرد روان شناختی عنصر رنگ در مرآتی خاقانی برای فرزندش، زبان و ادبیات فارسی (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی)، دوره ۲۴، شماره ۸۱؛ از صفحه ۳۳ تا صفحه ۴۸.
- [۱۰] تجلیل، جلیل (۱۳۹۰)، معانی و بیان، ویراست دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

- [۱۱] حیدری، غلامرضا. (۱۳۹۸). زبان ادبی و بلاغی رنگ در ارتباطات غیر کلامی، در شاهنامه فردوسی. زیبایی‌شناسی ادبی، ۱۰ (۳۹)، ۱۸۹-۲۲۹.
- [۱۲] رفیعی راد، رضا، محمد خزائی (1398) تطبیق منظر معنایی رنگ‌ها در قرآن کریم و ادبیات کنایی فارسی، نشریه علمی پژوهشی هنرهای صناعی اسلامی، دوره چهارم، شماره اول، بهار و تابستان.
- [۱۳] رفیعی راد، رضا. (۱۳۹۹). کاربست واقع‌گرایانه و غیر کنایی رنگ‌های سیاه و سفید در قرآن کریم و اشعار حافظ. فصلنامه مطالعات ادبی متون اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۵ (۲۰)، ۱۱۹-۱۳۶. doi: 10.22081/jrla.2021.58337.1292
- [۱۴] شفیعی کدکنی، محمد رضا (۱۳۶۶)، صور خیال در شعر فارسی، تهران، انتشارات آگاه.
- [۱۵] شمیسا، سیروس (۱۳۹۳)، معانی و بیان، تهران، انتشارات میترا.
- [۱۶] طاهری، علی، ۱۳۹۴، بررسی سبک هنری قرآن کریم در به کارگیری انواع کنایه و عدول از لفظ قبیح به حسن، فصلنامه علمی پژوهشی « پژوهش‌های ادبی - قرآن کریم، سال سوم، شماره سوم، از صفحه ۹۳-۱۱۵
- [۱۷] کزازی، جلال الدین (۱۳۶۸) زیبایی‌شناسی سخن پارسی، تهران، نشر مرکز.
- [۱۸] نقابی عفت (۱۳۹۴) تشبیه، وجه غالب صورخیال در غزلیات حسن دهلوی، فصلنامه مطالعات و تحقیقات ادبی، جلد ۷ شماره ۱۸ صفحات ۱۶۷-۱۵۳
- [19] Abo Saood, Mohammad Ebne Mohammad (1411), *Ershadol Aghlol Salim Ela Mazqia Alghoranol Karim*, Beirut, Dar Ehiae Altorasol Arabiah. [in Arabic]
- [20] Amirsoleimani, Soheila (1999) Truths and lies: irony and intrigue in the Tarikh-Bayhaqi, Iranian Studies Journal, volume 32, number 2, (243-259)
- [21] Alshaher, Abdollah, (2002), *Alasarol Nafsi Lellon, Majallatol Mooghefol Adabi*, Aladad 379, [in Arabic]
- [22] Asfoor, Jaber, (2003), *Almaghdol Adabi*, First Edition, Beirut: Darol Kotobal Bananiiah.
- [23] Cover, **Lois Brauer** (1975), *Anthroplogy for Our Time*, Oxford Book University Company.
- [24] Lakoff, G., & Johnson, M. (1980). Conceptual metaphor in everyday language. *The Journal of Philosophy*, 77(8), 453-486.
- [25] Sharif, Taregh, (1974) *Alsheer Vallafonal Tashkili, Majallatol Mooghefol Adabi*, Aladad 7, [in Arabic]
- [26] Tent. Jan (2018) *Out-of-the-blue Names of Paint Colors*, A Journal of Onomastics, Volume 66, 2018 - Issue 1, Pages (25-35)
- [27] Trudgill, peter. (1976), *Sociolinguistics: An Introduction to Language and Society*, England: published by Penguin Books.